

کنوانسیون زنان و گفتمان های دینی

کنوانسیون که کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در ماه های اخیر محور چالش جنبه های سیاسی واقع شده است. هر چند بسیاری از واکنش های رسانه ای در این زمینه بیشتر نشان از بی‌ملاحظه و بی‌دغدغه های سیاسی دارد، بار پرداختن به این کنوانسیون از روزه معرفت دینی می تواند در شکوفایی و پویایی این شاخه از معرفت بشری گامی به جلو باشد. هنگامی که از نسبت میان دین و کنوانسیون سخن می گوئیم قبل از اینکه مشخص کنیم کنوانسیون کدام گفتمان دینی است، باید دوری نشتسای میان دین و فرهنگ را بر مبروردار بنمود.

با بررسی استواری آنرا از نظرات علما و مین و پیمان گشتی، می توان سه گفتمان دینی را در مواجهه با کنوانسیون که تبعیض از نظر بازشناختن، «گفتمان اسلام گرا»، «گفتمان صلح گرا» و «گفتمان آزادی گرا» گفتمان تکرک دین را می بینیم، هرچند این گفتمان ها و بررسی اشکال پذیرش کنوانسیون در پارچه هر یک از آنهاست.

«گفتمان اسلام گرا»
دین گفتمان برای برخی تعیضات و محدودیت های اجتماعی و حقوقی که در متون دینی و کتب معتبره برای زنان وارد شده است، ایدی، غیر قابل تغییر و غیر قابل تعدیل است و هیچ توجیه و مصلحتی برای آن وجود ندارد. چون از این احکام دین و تصرف نمود.
زنان در این گفتمان دارای غارتزانی «زیست شناختی»، «مادی» و «مردان هستند و دین اسلام را نیز فقط بر این غارتزانی و بر روی خصایص و ویژگی های جنسی زنان، در پیاده های اسلام قرار می دهند و مردان را چون گله ای و بی اختیار از این استیلا می که در دوران آن بر مبنای این استواری، زن قدرت داشته است. هرچند آنان را به تعدیل یا به مرد می رختن این معامله اختلاف ناموس خلقت» است و از لحاظ «کنوانسیون که تبعیض علیه زنان بر خلاف اسلام و نظام انسانیت است» و همین راسخاست که گفته شده: «در خانواده نقش زن زباردار، شدن، تربیت فرزندان، اداره زندگی و نشاط داشتن است، اما نقش مرد کار کردن و وسایل

کنوانسیون زنان و گفتمان های دینی

ادامه
بنابراین در گفتمان صلح گرا، حکومت اسلامی در برابر هر پدیده نو ظهور و «سندساخته ای» باید صلح طلب و مسلمان را در صدر دغدغه های خود قرار دهد و از این رویکرد به نفع یا زیان آن پیردازد.
خلاصه این که «حکام هر چه را به صلح جامعه بینند، می توانند به آن حکم کنند و همان حکم شرعی و حکم شارع است. پس حکم هر چه را مطابق صلح عموم یا مفسد عموم در آن باشد، می تواند واجب یا تحریم کند».
«ایقان مسگری، مجموعه آثار، تکرک، بررسی مسائل فقهی حضرت امام خمینی (ره)، نقش زنان و مکان در اجتماع»، ص ۱۳۳، ۱۳۴

کنوانسیون که تبعیض علیه زنان نیز در پارچه این گفتمان دینی، پیش از آن که به متون فقهی و شرعی تعلیل شده باشد، مصلحت محسوسه محسوب می شود. در صورتی که کارشناسان حقوقی و صاحب نظران عرصه روابط بین المللی، الحاق به این کنوانسیون را برای تأمین نیازهای حقوقی و سیاسی اسلامی و موافقت بین المللی نظام اسلام به صلح طلبان و عدم الحاق به آن را به بی ملاحظه صلح طلبان، مسلمان صلح گردیدن هراس از تعارض ظاهری برخی از مفاد کنوانسیون با متون شرعی، حکم به پذیرش آن خواهد نمود.

۳. گفتمان آزادی گرا
«گفتمان آزادی گفتمان نه مانتد استواری این گفتمان بر ظاهر مبنی و تعصوب دینی جزئیست می ووزند و نه همچون صلح گرا متون دینی را بر مبنای «صلح گرا» بررسی می»
«آهمنی داری باورهای و باورهای این متون از باورهای انتساب با زمان و مقتضیات عصر حاضر اثر دارد. این اندیشمندانی غالباً تا به حدی اسلام را به «مبادات» و «معاملات»، «معاملات» احکام معالمان را واقع در هر گونه «صلح علیه» می پندارند. البته معالمان در اینجا معاصر از خرید و فروش است و مانند احکام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدنی را در برمی گیرد. به اعتقاد نگارنده هدف اساسی جعل این احکام، انتظام جامعه اسلامی براساس «عدل» است. یعنی تفریق عدل و برخورد کردن بر فرد از حقوق عادلانه و خویش غایت اصلی احکام معالمان اسلام است.

نو گرایان ملاک و معیار عادلانه بودن احکام را در تشخیص و تفسیر این «عدل» می دانند. چنین نیست که حکمی چون در متون دینی آمده است عادلانه باشد بلکه «عدل» خفته در حکم را باید معنای عمیق قوم در یابد. بدین معنای معنای هر مفاد را در کتاب عدل علیه شرع شده

زندگی و امها کردن است این که زنان صحابه و شبهه کارکنند و مثل مردان فعالیت کنند، خلاف تقاضای رفتار شده است. در حالی که آفرینش تأکید دارد که زنان باید طراوت خود، فرزندان و نشاط شوهران خود را تأمین کنند.

در گفتمان متن استواری کنوانسیون که تبعیض علیه زنان به عنوان یک «متن» (text) در مقابل برخی متن دیگر، نهاده می شود به تضاد اختلاف و تناقض اشاره باید نمود در نظر گرفتن هر یک از مصلحت یا تکرین متون به اقتضای زمان هر چه می گردد. این امر به حدی که مسلمان شریعت را به استناد به شریعت نمی تواند مانتد باشد نهاده ای این کنوانسیون باشد. قاعدتاً باید اموالی که برای این کنوانسیون در معرض مناقش قرار خواهد گرفت که به برخی احکام فقهی همچون ارث، تقاضای، و دیلاق نهادن، سن بلوغ، حیای و تعدد زوجات» در تعارض باشد. اما با ناگاهی به مبنای کنوانسیون و به ویژه شناختن این احکام، که اصول حقوقی و اساسی کنوانسیون را تشکیل می دهد، روشن می شود که مذاکره «اصول» این کنوانسیون، نباید اگر به صورت قطع و شال مانتد صدق پذیر خود قرض شود. «اصول» یا برخی از احکام فقهی در تعارض خواهد افتاد، اما در صورتی که این احکام با توجه به احکام باطنی مانتالی ندارد بلکه در آن متون دینی مبنای دینی برای رغب اینها یافت می پسندنگری یا بر تکرر هر یک از آن (ص ۵۵) همه پهری می و روسگیری (ص ۴) حقوق سیاسی زنان (ص ۷۴)، حضور زنان در عرصه بین المللی (ص ۸۴)، حق برخورداری از نامیت (ص ۸۴)، حق سوازی در امر آموزش و پرورش (ص ۸۴)، یکسان شدن اشتغال و زمانه و اوقات تعلیمی و تحصیلات تعلیمی از طرف زنان (ص ۸۴)، حقوق حاکم و در زمینه ای پدیدارشدی (ص ۸۴)، حق مالی و فرهنگی (ص ۱۳) ... همگی ملاتم و سازگار با شریعت اسلامی است و به سختی می توان با استناد از متون دینی یا بحوالی این موارد مخالفت نمود.

بسیار آید که در دراسات و کلیت خود، بلکه در وجه اطلاق و شمول است که ممکن است با احکام اسلامی سازگار افتد. در این جاست که استفاده از حق حفظ و یا تعقیب اصلاحیه تفسیری، پذیرش کنوانسیون را برای مسلمان شریعت را میسر می کند و ساز و آواجا که محدوده

است به نظر می آید این پندار صحیح نیست که «هر چه در شرع آمده است، عادلانه است» بلکه درست این است که بگوییم «هر آنچه عادلانه است، در شرع آمده» (ایران گرا) و از عرق خلاف حکمی را بر مدار عدل ندانست، باید حکم به سرآمدن تاریخ مصرف آن حکم داد. عدالت مفهومی ثابت یا مطلق نیست، به مضمون تغییر می یابد. به تعبیر یکی از نوگرایان، «عدالت را باید در هر عصری تعریف کرد. تعریف ثابتی از عدالت، تنها در مسائل مربوط به زنان و مردان، بلکه در مسائل اقتصادی هم نداریم. تعریف عدالت در هر عصری به خود انسانها و با گذار شده است» (محمد مجتهد جیشتری، نقد قرأت رسمی از دین، ص ۵)

یا «ما باید از موضع عدالت حرکت کنیم و مقررات موجود را تعدیل کنیم یا تغییر بدهیم. این کار، ایجاد تغییر یا برپای احکام است، (ممنون) به عقیده نوگرایان «الام احکامی که در زمان کنونی (در زمان) نیستند و مناسب با عرف زمان هستند. هر زمان به پیش احسان شد که حکمی، در مصلحت و برای رسیدن به غایت و هدف از دست داده است، دیگر اعتبار ندارد» (محمد کنبدیور، باب ۳، شهر یوب ۸۷)

در مورد احکام مربوط به زنان نیز، اعتقاد نوگرایان بر این است که «بسیار پاره ای از حقوق و یا مقررات ظالمانه مربوط به زنان آن عصر را فقط زمان به دلیل زمانه و در مورد آنان حرکت کرد. مالکیت زنان را به دست رسخت، تعدد می در حساب زوجات را محدود کرد، در ارت تعدیل جلال قائل شد، خلاصه کنونی تباری های شدید را که آن را جامعه معاصر از وجود، دادند، مناسب با فهم و درک آن روز از «عدالت» تفسیر داد و به سوزی عدل زمانه حرکت کرد. اگر با این فهم پیش جلو برویم معاینات این است که آن مقدار از تغییرات که ایشان ایجاد کرد، تغییرات غریب است. نیست آن تغییرات از زمان مفهوم و مقدور بوده و در زمان هم صورت گرفته است. پس اصلی آن تغییرات این است. تباری های دیگر یکی که در طول تاریخ از زمان تعدیل می شود، باید از طرف خود این امر پذیرش می یابد» (محمد مجتهد جیشتری، نقد قرأت رسمی از دین، ص ۵)

نوگرایان در مواجهه با کنوانسیون که تبعیض علیه زنان چون آن را برآمده از وجدان عدل گرای عقلای امروز می دانند، در پذیرش آن شک دارند، خود را نمی دهند. به عقیده آنان به نحوی است که ردگیری آن، در نهایت به تبعیض کامل علیه زنان خواهد رسید.

احکام فقهی معارض با کنوانسیون درصد بسیار ناچیزی از گستره اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مدنی مدنظر کنوانسیون را در برمی گیرد. ادعای حق حفظ برای این محدوده، بعد است که مشمول بند دوم ماده ۲۸ می باشد بر پایتفه شدن حق تعظها برای معارض با اساس کنوانسیون تلقی گردد.

۳. گفتمان صلح گرا
در این گفتمان صلح طلبان و معارض با کنوانسیون به صلح طلبان در صدر احکام اولیه و ثانویه اشاره می نشیند و به احکام اسلامی این اختیار داده می شود که در صورت تعارض احکامی با شریعت، با صلح کنونی نظام اسلام، تناقض ندارد. در موعی که مخالف صلح گرا می دانست، موقتاً جلویگری کرد. (صلحیه امام، ص ۱۵۲)

صریح بر این عبارت و مباحثه را در این مورد، حضرت امام خمینی (ره) در سالهای پایانی حیاتشان از طریق کتبات به اعتقاد ایشان، حکومت که شاهی از ولایت مطلقه رسول(ص) است، حکومت می تواند ... بر امری را، چه عبادی و چه سیاسی که برای حق نماز جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن داممی که چنین است جلویگری کند. حکومت می تواند از حق که از فرائض مذهب الهی است، در موعی که مخالف صلح گرا می دانست، موقتاً جلویگری کرد. (صلحیه امام، ص ۱۵۲)

ایشان در قالب تذکر «پرهیز» به شورای نگهبان، از نظر رفر گفتن «صلح گرا» نظام در این احکام اشاره فرما می خوانند و تصریح می کنند که به بحث احکامی مدنی که در پارچه جوری هستند، نه تنها قابل حل نیست، که ما به این مسئله می گداس که به معنر جوری ظاهری این مسائل می شود و در زمانه ای که باید اینک باید مسلم شود که آنان را به گذارده از خلاف شرع صورت نگرد و خود از آن بازدارد، و باید تمام احکام خودشان را بناسید که خلافی ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی مهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد» (صلحیه نور، ج ۳، ص ۶)